

# جهانی با سه صفر

اقتصادی نوین با

فقر صفر،

بیکاری صفر

و انتشار کربن صفر

تألیف

پروفسور محمد یونس

ترجمه

دکتر مهدی قربانی

دانشیار دانشگاه تهران

زمانی که جهان را در کف دست خود قرار می‌دهید و آن‌گاه از بالا به آن نظر می‌اندازید، مفرور می‌شوید؛ به محو شدن برخی چیزها پی نمی‌برید. من در عوض، سعی کردم به جای آنکه همچون عقاب از بالا به پایین نگاه کنم، از چشم یک کرم خاکی به نگاه کردن بپردازم؛ فقرا اقتصادی کاملاً جدید را به من یاد دادند (محمد یونس).



پروفسور محمد یونس، پایه‌گذار اعتبار خرد، کسی است که کسب‌وکار اجتماعی را ابداع کرد و به واسطه تلاش‌های بی‌وقفه در زدودن فقر از چهره جامعه، برنده جایزه نوبل صلح شد. او معتقد است اکنون زمان آن فرا رسیده که اعتراف کنیم موتور سرمایه‌داری از کار افتاده است و با شیوه و شکل کنونی، به طور قطع به نابرابری‌های فراگیر، بیکاری گسترده و تخریب محیط‌زیست دامن خواهد زد. ما نیازمند نظام اقتصادی جدیدی هستیم که نیروی فداکاری و ازخودگذشتگی آن همچون نیروی منفعت‌طلبی، پر قدرت باشد.

آیا این تنها یک رؤیای شیرین است؟ نه، به هیچ‌روی. در دهه گذشته، هزاران انسان و سازمان با نگرش یونس با شکل جدیدی از سرمایه‌داری آشنا شدند و در پی آن، کسب‌وکارهای اجتماعی نوآور و بدیعی را خلق کردند که هدف از آنها رفع نیازهای انسانی بود، نه صرفاً ثروت‌اندوزی. آنها انرژی خورشیدی را به میلیون‌ها خانه در بنگلادش آوردند؛ هزاران جوان بیکار را به کارآفرین تبدیل کردند؛ بودجه لازم را برای کسب‌وکار بانوان در شهرهای سرتاسر ایالات متحده آمریکا تأمین کردند؛ وسایل نقلیه، سرپناه و دیگر خدمات را برای فقرای روستانشین فرانسه فراهم ساختند و یک شبکه حمایت جهانی ایجاد کردند که به کارآفرینان جوان کمک کند استارت‌آپ‌های خود را راه‌اندازی کنند.

در کتاب «جهانی با سه صفر»، یونس به توصیف تمدن جدیدی می‌پردازد که در واقع برآمده از آزمایش‌های اقتصادی اوست. او توضیح می‌دهد که چطور شرکت‌های جهانی نظیر *McCain*, *Renault*, *Danone* و *Essilor* به کمک کارگروه‌های اجتماعی خود، الگوی اقتصادی او را اجرا کردند. ابزار مالی جدید برای تأمین بودجه کسب‌وکارهای اجتماعی را توصیف می‌کند و تغییرات حقوقی و قوانینی را توضیح می‌دهد که برای آغاز موج دوم نوآوری‌های اجتماعی نیاز است و مهم‌تر از همه، جوانان، رهبران سیاسی و کسب‌وکارها و شهروندان عادی را به پیوستن به این جنبش و کمک به خلق جهان بهتری دعوت می‌کند که آرزوی همه‌مان است.

## فهرست مطالب

ذ.....	Foreword for the Farsi Edition by Professor Muhammad Yunus
س.....	پیشگفتار مؤلف بر ترجمه فارسی.....
ض.....	پیشگفتار مترجم.....
۱.....	<b>بخش اول: چالش.....</b>
۳.....	<b>فصل اول: شکست نظام سرمایه‌داری.....</b>
۴.....	موج بزرگ تمرکز ثروت.....
۵.....	چگونه سرمایه‌داری به نابرابری دامن می‌زند؟.....
۸.....	انسان سرمایه‌دار در مقابل انسان واقعی.....
۱۱.....	بازطراحی موتور اقتصاد.....
۱۳.....	<b>فصل دوم: خلق یک تمدن جدید: ضد اقتصاد در کسب‌وکار اجتماعی.....</b>
۱۴.....	توافقنامه پاریس - پیروزی برای مردم.....
۱۶.....	بانک گرامین: بازاندیشی در نظام مالی.....
۱۸.....	کسب‌وکار اجتماعی و نخستین گام‌ها در راستای یک چارچوب اقتصادی جدید.....
۲۲.....	ضد اقتصاد کارآفرینی.....
۲۵.....	<b>بخش دوم: سه صفر.....</b>
۲۷.....	<b>فصل سوم: به صفر رسیدن فقر: پایان نابرابری در آمد.....</b>
۳۰.....	سه ناکامی بزرگ نظام اقتصادی.....
۳۱.....	جنبش جسور: چطور بحران سرمایه‌داری، مسئله فقر را تشدید کرده است.....
۳۵.....	کسب‌وکار اجتماعی: درمانی برای اثرات بی‌شمار فقر.....
۴۰.....	از بنگلادش به جهان: چگونگی نشر روحیه آزمایش اقتصادی در کل جهان.....

- ۴۳..... اتاق اقدام و عمل فرانسه: مقابله با فقر در کشوری ثروتمند
- ۴۷..... اقتصاد جدید و هدف به صفر رساندن فقر

- ۴۹..... فصل چهارم: به صفر رسیدن بیکاری: ما جویای کار نیستیم، کارآفرین هستیم
- ۵۰..... مسئله بیکاری - تشخیص اشتباه، درمان اشتباه
- ۵۲..... غلبه بر موانع کار
- ۵۳..... مقابله با بیکاری در بنگلادش: برنامه نوبین (کارآفرینان جدید)
- ۵۹..... از وام تا دارایی خالص: کلید ارتقای کارآفرینی
- ۶۰..... از روستاهای بنگلادش تا خیابان‌های نیویورک: اعتبار خرد، ابزاری برای ترفیع کارآفرینی
- ۶۵..... کارآفرینی، اقتصاد جدید و هدف به صفر رساندن بیکاری

- ۶۹..... فصل پنجم: به صفر رسیدن کربن خالص: خلق اقتصاد پایداری
- ۷۴..... گرامین شاکتی: کارآفرینی سبز، بازار انرژی را دگرگون می‌سازد
- ۷۵..... هائیتی: نجات روستایی ویران و مردمی که به آن وابسته‌اند
- ۷۸..... اوگاندا: راه‌حل‌های کارآفرینی برای چالش‌های محیط‌زیست
- ۸۲..... اقتصاد جدید و هدف به صفر رسیدن انتشار کربن

- ۸۵..... فصل ششم: نقشه راه آینده‌ای بهتر
- ۸۸..... فهرست کارهایی که باید انجام شود؛ اهداف توسعه پایدار
- ۹۳..... کسب‌وکارهای اقتصاد جدید چطور تحقق SDGها را برمی‌انگیزند
- ۹۹..... یک نظام اقتصادی جدید که اهداف انسانی را قابل حصول می‌سازد

- ۱۰۱..... بخش سوم: قدرت‌های بزرگ که جهان را متحول می‌سازند

- ۱۰۳..... فصل هفتم: جوانان: انرژی بخشی و توان‌افزایی جوانان جهان
- ۱۰۶..... مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند جوانان را طراح جهان دلخواه خود سازند
- ۱۱۰..... جوانان در عرصه عمل: شبکه جهانی و جدید کارآفرینان کسب‌وکار اجتماعی
- ۱۱۵..... ورزشکاران - جشن جوانی و نیرویی مثبت برای جامعه
- ۱۱۷..... مشارکت بین‌نسلی: همکاری جوانان و سالخوردگان برای خلق جهانی تازه

فصل هشتم: فناوری: رهاسازی قدرت علم برای آزادی بخشی تمام انسان ها ..... ۱۲۱

بهره‌گیری از قدرت چشمگیر ICT ..... ۱۲۶

بهره‌گیری از فناوری برای حل مسائل منحصربه‌فرد فقرا ..... ۱۳۲

فصل نهم: حکمرانی خوب و رعایت حقوق بشر: کلید ساختن جامعه‌ای ایده‌آل برای همه ..... ۱۳۹

انتخابات منصفانه و معتبر ..... ۱۴۰

فساد، بیماری کشنده است ..... ۱۴۲

دولت، مسئله نیست ..... ۱۴۴

دیگر عناصر مهم حکمرانی خوب ..... ۱۴۵

احترام به حقوق بشر: آزادی اقتصادی و همه‌انواع دیگر آزادی با یکدیگر در ارتباطند ..... ۱۵۳

بخش چهارم: سنگ بنای آینده ..... ۱۵۷

فصل دهم: زیرساخت حقوقی و مالی مورد نیاز ..... ۱۵۹

مسائل نظام‌های مالی و حقوقی موجود ..... ۱۶۰

حرفه حقوق چه کمکی می‌تواند بکند ..... ۱۶۳

پول از کجا تأمین خواهد شد؟ ..... ۱۶۷

خلق ساختارهای اجتماعی که اصلاح اقتصادی را بهبود می‌بخشند ..... ۱۷۱

فصل یازدهم: بازطراحی جهان آینده ..... ۱۷۹

سرمایه‌داری در بحران ..... ۱۸۱

برترین شکل خلاقیت انسان ..... ۱۸۲

اصطلاحات ..... ۱۸۵

منابع ..... ۱۸۹

## **Foreword for the Farsi Edition by Professor Muhammad Yunus**

I am very pleased to see a Farsi translation of my book “**A World of Three Zeroes**” is being published. I want to congratulate Dr. Mehdi Ghorbani for his effort in making this happen. This is the fruit of his passion and patience. I admire his commitment and tenacity.

What I have tried to bring up in this book is creating a sense of urgency by pointing out that the world is on a disaster path. Our over-reliance on profit-making has led us to the brink of destruction. Bushfires in Australia, the deliberate deforestation of the Amazonia, are all only some recent visualization of a much larger and deeper problem. It only points out to the facts that human beings are steadfastly pursuing a path to destroy the planet rather than protect it.

I have been drawing attention of the world that unless we come out of the present economic framework we cannot save the world. Root cause of how we think and behave in the economic world is imbedded in the economic theory. The concept of ‘theory’ came to make it easy to understand the inter-links among the things we are doing in everyday lives, why things happen the way they do. It is a summarized description of whatever subject we want to understand. Theory came to make us understand. But economic theory went beyond that purpose. It started shaping us. We created theory as a tool, but soon theory started creating us. It took control of our lives. We submitted ourselves to theory forgetting where we are coming from. It controls how we should behave, what we should see, what and how we should think.

I noticed this in my struggle to bringing financial services to the poor. I thought it will be a simple task. Soon I confronted the wall of banking theory. The wall guards the system to making sure it does not spill over to the other side. It makes all kinds of reasoning to make sure you do not dare to cross the wall. I defied the wall and went to the poorest, went to the poorest women to boot, and found all their reasoning are empty talks.

I soon realized that the financial services is the economic oxygen that poor people need for their active economic life. As this economic oxygen is not available to the bottom people they remain economically dysfunctional. We call this state of affairs as poverty. If we can connect the poor people with economic oxygen they’ll become economically energetic and fully functional. They can create their own destiny. That’s what I tried to do in the village of Jobra in Bangladesh. I extended financial services to the extremely poor, particularly the poorest women. I created a bank for the poor, called Grameen Bank, or village bank. It worked. Over time it has reached millions of Bangladeshi poor women to

help create their own micro businesses. The credit we provided became known as microcredit or microfinance. The concept and the practice spread all around the world, both in poor countries as well as in rich countries, like USA, France, Norway, UK, etc.

While providing financial services to the poor, I saw many other problems of the poor people. I tried to address them in my own ways. A particular pattern emerged in my work.

Every time I tried to address a problem that I saw among the poor communities, I created a business to solve it. Over time I noticed that these businesses do not follow the usual definition of capitalist businesses which are created for the sole purpose of making personal profit. In my businesses I did not have that particular purpose at all in my mind. I had a different purpose; the sole purpose was to solve a problem with no intention of making any personal gain from it. The more I did it the more I was pointed out that I am violating the definition of capitalist business, so I am wrong. In the mean time I am so convinced by the effectiveness of this type of businesses in solving problems, I took the position that I am not trying to stay within the existing definition, I am creating a new type of business with new definition. I call them social business, business to solve people's problem without making any personal gain from it.

I wondered why capitalist system missed this business in the first place in their framework. I found the answer. Capitalist system worked with a narrow understanding of a human being. They interpreted human being as someone who is driven by personal interest, or selfishness, only. As a result they built a selfish world, creating mass poverty and ever-increasing massive concentration of wealth. Almost all the wealth created in the world gets concentrated in the hands of less than one percent of the people, leaving more than 99 percent of people less than one percent of total wealth.

I have argued in this book that this system has now become a ticking time bomb. It can explode any time. I have also suggested that reinterpreting human being as driven by both self-interest and collective interest, not just self-interest alone, as the capitalist theory made us believe for all these years. I have explained how social business is born out of this reinterpretation.

An ecosystem built around social business will provide us with a better, sustainable future. It can enable us to still dream of a world where we are able to come out of such greed driven systems, overcome our obstacles selflessly by being useful to others and having no intention of taking not any profit from it. In this book, I talk about how we are able to do that.

The book also covers the numerous ways in which social businesses across the globe are overcoming challenges and providing innovative solutions for their communities' problems. As these words of social business reach our Farsi speaking

پیشگفتار مؤلف بر ترجمه فارسی □ ز

friends, I hope it inspires them to do their part in building a world of zero unemployment, zero poverty and zero net carbon emissions.

Another fundamental flaw of the existing capitalist system is that it has assumed that destiny of all human beings is to work for a handful of other human beings. I argued that human beings are not born to work for other human beings. All human beings are born as entrepreneurs, not as job-seekers. Capitalist system has led us the wrong way. As a result we are up for a massive global unemployment which is in the process of being created now by the technology of artificial intelligence. We are on the verge of adding another disaster in addition to ones we already have.

I believe we need to get away from this path by moving away from the greed based civilization and create a new civilization based on empathy and human values of sharing and caring.

This book is an attempt to outline this path.

Again I congratulate Dr. Ghorbani for doing Farsi edition of my book.

I hope this book will help the readers to understand the world we live in, and give you a feeling of urgency to create a new civilization.

**Welcome to the new civilization.**

**Professor Muhammad Yunus**  
**Nobel Peace Prize Winner 2006**  
**Founder of Grameen Bank**  
**12/03/2020**



### پیشگفتار مؤلف بر ترجمه فارسی

از خبر چاپ ترجمه فارسی کتابم «جهانی با سه صفر» بسیار خوشحال شدم. بی شک بدون زحمات بی‌شائبه دکتر مهدی قربانی این امر میسر نبود. به ایشان تبریک می‌گویم. این ترجمه ثمره پشتکار و عشق ایشان است. تعهد و دلسوزی ایشان در راه ترجمه این کتاب شایسته ستایش است. در این کتاب با ترسیم مسیری که جهان رو به فاجعه در پیش گرفته است سعی داشتم زنگ خطری را به صدا درآورم. وابستگی بیش از حد ما به کسب سود و پول بیشتر، ما را به نابودی نزدیک‌تر می‌کند. آتش‌سوزی جنگل‌های استرالیا و جنگل‌زدایی گسترده در آمازون تنها دو نمونه اخیر از یک مسئله به‌مراتب بزرگ‌تر و عمیق‌ترند. این فجایع ثابت می‌کنند که انسان‌ها بی‌هیچ تأملی، سعی در نابودی این کره خاکی دارند و به حفاظت از آن اهمیتی نمی‌دهند.

توجه شما را به این نکته جلب کرده‌ام که اگر از چارچوب اقتصادی حاضر جدا نشویم، هرگز نمی‌توانیم جهان را نجات دهیم. نحوه تفکر و رفتار ما در جهان اقتصادی، ریشه در نظریه اقتصادی دارد. مفهوم «نظریه»، درک رابطه میان کارهایی را که در زندگی روزمره انجام می‌دهیم راحت‌تر می‌سازد. این کتاب توصیف خلاصه‌ای است از اینکه چرا بعضی اتفاقات روی می‌دهند.

می‌خواهیم درباره آن شناخت بیابیم. نظریه به درک و شناخت ما کمک می‌کند. اما نظریه اقتصادی فراتر از آن هدف رفت و رفته‌رفته به ما شکل داد. ما نظریه را به‌عنوان یک ابزار ارائه دادیم، اما طولی نکشید که نظریه رفته‌رفته ما را از نو خلق کرد و عنان زندگی ما را به‌دست گرفت. ما خود را تسلیم نظریه کردیم و فراموش کردیم از کجا آمده‌ایم. بر نحوه رفتار ما، آنچه باید ببینیم، و چطور و به چه چیز بیندیشیم، کنترل دارد.

ضمن تلاش برای ارائه خدمات مالی به فقرا متوجه این نکته شدم. می‌پنداشتم کار ساده‌ای خواهد بود، اما به‌زودی به دیوار نظریه بانکداری برخوردیم. این مانع اجازه نمی‌دهد نظام اقتصادی به آن سوی دیوار برود. چنان استدلال‌هایی بنا شده است که جرأت نخواهید کرد از دیوار عبور کنید. من این دیوار را به مبارزه طلبیدم و به سراغ فقیرترین‌ها رفتم، فقیرترین زنان و متوجه شدم همه این استدلال‌ها حرف‌هایی پوچ‌اند.

طولی نکشید که پی بردم خدمات مالی، اکسیژن اقتصادی است که فقرا برای حیات اقتصادی فعال خود نیاز دارند. از آنجا که این اکسیژن اقتصادی در دسترس مردم طبقات پایین قرار ندارد، از لحاظ اقتصادی ناکارآمدند؛ ما چنین حالتی را فقر می‌نامیم. اگر بتوانیم فقرا را به اکسیژن اقتصادی وصل کنیم، از لحاظ اقتصادی انرژی می‌گیرند و کاملاً کارآمد می‌شوند. می‌توانند سرنوشت خود را رقم بزنند و این همان کاری است که من سعی کردم در روستای جبرا در بنگلادش انجام دهم. من خدمات مالی را برای افراد به‌شدت فقیر، به‌ویژه فقیرترین زنان به ارمغان آوردم. بانکی برای فقرا تأسیس کردم به نام «بانک

گرامین» یا به عبارتی «بانک روستا». این طرح جواب داد؛ با گذشت زمان به میلیون‌ها زن فقیر بنگلادشی کمک کرد و کسب‌وکارهای خرد خود را به راه انداختند. اعتباری که در اختیار آنها قرار دادیم به اعتبار خرد یا تأمین مالی خرد شهرت یافت. این مفهوم و شیوه به سرتاسر جهان گسترش یافت؛ خواه در کشورهای فقیر و خواه در کشورهای ثروتمندی چون آمریکا، فرانسه، نروژ، انگلستان و غیره.

در حال خدمات‌رسانی مالی به فقرا، متوجه مسائل عدیده فقرا شدم. سعی کردم به روش خودم به آنها بپردازم. الگوی خاصی در کار من پدید آمد. هر بار به مسئله‌ای در جمع فقرا برمی‌خوردم، سعی می‌کردم کسب‌وکاری برای حل آن مسئله خلق کنم. با گذر زمان متوجه شدم این کسب‌وکارها تابع تعریف معمول کسب‌وکارهای سرمایه‌داری نیست. آن کسب‌وکارها صرفاً برای کسب سود شخصی خلق می‌شوند اما در کسب‌وکارهایی که من به راه می‌انداختم به هیچ‌وجه در پی آن هدف خاص نبودم؛ بلکه هدفی متفاوت داشتیم: هدف اصلی حل یک مسئله اجتماعی بود بدون آنکه کمترین سودی برای خود قائل شوم. هرچه بیشتر این کار را انجام می‌دادم بیشتر به این نکته پی بردم که من تعریف کسب‌وکار سرمایه‌داری را نقض می‌کنم. همچنین تجربه به من ثابت کرد که این نوع کسب‌وکار در حل مشکلات تأثیرگذار است. در نتیجه موضع خود را اعلام کردم مبنی بر اینکه دیگر به تعریف موجود پایبند نیستیم و در عوض نوع جدیدی از کسب‌وکار را با تعریف جدید خلق کرده‌ام. من آن را **کسب‌وکار اجتماعی** می‌نامم؛ **کسب‌وکاری برای حل مشکلات مردم بدون کسب هیچ‌گونه سود شخصی**. در ابتدا برابرم سؤال بود که چرا نظام سرمایه‌داری از این نوع کسب‌وکار غافل مانده است. اما پس از مدتی پاسخ این سؤال خود را یافتم. نظام سرمایه‌داری با شناخت محدودی از ذات انسان کار می‌کند. آنها انسان را شخصی دستخوش منافع شخصی یا صرفاً خودخواهی تلقی می‌کنند. در نتیجه، جهان خودخواهانه‌ای ساخته، به فقر جمعی دامن زده و تمرکز فزاینده ثروت را به وجود آورده‌اند. تقریباً همه ثروت خلق شده در جهان در دست عده‌ای محدود جمع شده است که کمتر از یک درصد مردم را شامل می‌شوند و بیش از ۹۹ درصد مردم جهان تنها صاحب یک درصد از ثروت کل هستند.

من در این کتاب استدلال کردم که این نظام حال به یک بمب ساعتی تبدیل شده است و ممکن است در هر لحظه منفجر شود. همچنین توصیه کردم انسان‌ها را تابع منافع جمعی بدانیم و صرفاً به منافع فردی توجه نداشته باشیم. توضیح دادم که چطور کسب‌وکار اجتماعی از چنین تغییر جدیدی پدیدار می‌شود.

اکوسیستمی که حول کسب‌وکار اجتماعی ساخته شده است آینده‌ای بهتر و پایدار برایمان به ارمغان خواهد آورد. به ما امکان می‌دهد همچنان رؤیای جهانی را داشته باشیم که در آن بتوانیم از چنین نظام‌های حریصی رها شویم و با مفید بودن برای دیگران و بدون اندیشیدن به منافع شخصی خود بر موانع فائق آییم. در این کتاب در مورد چگونگی انجام دادن این کار بحث می‌کنم.

کتاب همچنین به روش‌های متعددی که کسب‌وکارهای اجتماعی در سرتاسر جهان به کار بسته و بر چالش‌ها غلبه کرده و راه‌حل‌های نوآورانه برای مسائل اجتماع خود می‌یابند، اشاره دارد. امیدوارم شنیدن این ایده‌ها و کلمات برای دوستان فارسی‌زبانم الهام‌بخش باشد و آنها نیز نقشی در ساختن جهانی بدون فقر، بدون بیکاری و بدون انتشار کربن ایفا کنند.

نقص دیگر نظام سرمایه‌داری موجود این پیش‌فرض است: عده‌ای از انسان‌ها محکوم به کار کردن برای تعداد اندکی انسان دیگر هستند. من به اصرار نشان دادم که انسان‌ها برای کار کردن برای دیگران متولد نشده‌اند. همه انسان‌ها ذاتاً کارآفرین هستند، نه جویای کار. نظام سرمایه‌داری ما را به مسیر اشتباه برده است. در نتیجه با بیکاری گسترده جهانی مواجه شده‌ایم که در پی فناوری هوش مصنوعی، تشدید شده است. ما در آستانه افزودن فاجعه‌ای دیگر به فاجعه‌های موجود هستیم.

من معتقدم که با ترک تمدن مبتنی بر حرص و آز و با خلق تمدنی جدید مبتنی بر همدردی و دلسوزی بشر دوستانه، می‌توانیم از این مسیر فاصله بگیریم.

این کتاب تلاشی برای نشان دادن این مسیر است.

بار دیگر به دکتر قربانی بابت ترجمه این کتاب به زبان فارسی تبریک می‌گویم. امیدوارم این کتاب به خوانندگان درکی از جهانی که در آن به سر می‌بریم دهد و به شما احساس نیاز مبرم به خلق تمدنی جدید را القا کند.

به تمدن جدید خوش آمدید.

**پروفسور محمد یونس**

برنده جایزه نوبل صلح ۲۰۰۶

مؤسس بانک گرامین

۱۲ مارس ۲۰۲۰

بانک گرامین، از نخستین تلاش‌هایی بود که برای منحرف کردن مقدار کمی از آب اقیانوس مالی به سمت فقرا شکل گرفت تا بتوانند شروع به نوشیدن سهم خود کنند و از لحاظ مالی فعال و خلاق شوند. با گسترش کسب‌وکار اجتماعی، کانال‌های مالی بیشتر برای کمک به رساندن پول به مردم و سازمان‌هایی که گام در راه حل مسائل جهانی می‌گذارند، ایجاد می‌شود (محمد یونس).

### پیشگفتار مترجم

مدت زیادی است که بشر فقر، بیکاری و تخریب محیط‌زیست را تحمل کرده است و بیشتر وقت‌ها آنها را بلاپای طبیعی خارج از کنترل انسان یا هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر رشد اقتصادی تلقی می‌کنیم، اما واقعیت چنین نیست. آنها ناکامی نظام اقتصادی ما هستند - و از آنجا که نظام اقتصادی از سوی انسان‌ها خلق شد، این ناکامی‌ها را می‌توان اصلاح کرد اگر انسان‌ها تصمیم بگیرند آن نظام اقتصادی معیوب را با نظام جدیدی که دقیق‌تر طبیعت انسان، نیازهای انسان و خواسته‌های وی را بازتاب می‌کند، جایگزین کنند.

در تئوری‌های اقتصادی حاکم بر توسعه، تفکر اولیه این بود که رشد اقتصادی بر افزایش تولید یا درآمد سرانه ملی دلالت دارد و چنانچه تولید کالاها و خدمات، به هر وسیله ممکن در کشوری افزایش یابد، تحولات بنیادین دیگری نیز به دنبال خواهد داشت. اقتصاد سرمایه‌داری بر رشد اقتصادی براساس تولید ناخالص ملی تأکید دارد که در چنین مفهومی از توسعه اقتصادی، اندازه و سهم بخش کشاورزی کاهش و بخش صنعتی و شهری با دربرگرفتن رشد صنایع و خدمات به تدریج گسترش می‌یابد و از شاخص‌های اجتماعی توسعه به صورت گذرا یاد می‌شود. بر این اساس باور تک‌بعدی از توسعه شکل گرفته و سایر ابعاد توسعه (اجتماعی، فرهنگی، محیط‌زیستی و...) تا آنجا مورد توجه قرار می‌گیرد که در راستای رشد و توسعه اقتصادی باشند و رشد اقتصادی هدف اصلی و نهایی تلقی می‌شود. پیامدهای این نوع تفکر اولیه، توسعه اقتصادی تک‌خطی، رشد بیکاری، گسترش شکاف اقتصادی و عدم توجه به پیامدهای محیط‌زیستی رشد اقتصادی است که به دنبال اثرات مخرب محیط‌زیستی رشد اقتصادی پس از اواسط دهه ۱۹۸۰، تفکری عمیق را در بین اقتصاددانان و سایر حامیان محیط‌زیست برانگیخت و پارادایم توسعه پایدار با تأکید بر سه رکن اصلی اجتماع، اقتصاد و محیط‌زیست مطرح شد.<sup>۱</sup> امروزه روشن شده است که رشد سریع اما همراه با آلودگی و خطرات محیط‌زیستی نه تنها رفاه انسانی را کاهش می‌دهد، بلکه توسعه را نیز ناپایدار می‌کند و نسل‌های آتی را از منافع ناشی از توسعه و حتی حیات محروم می‌سازد. در نقطه مقابل، توسعه پایدار کلی‌نگر است و همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیط‌زیستی را در برمی‌گیرد و مهم‌ترین جاذبه توسعه پایدار، جامع‌نگری آن است.

---

۱. از کیا، مصطفی و علی ایمانی، ۱۳۸۷. توسعه پایدار روستایی. تهران: انتشارات اطلاعات.

از سوی دیگر، در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، تمرکز ثروت، فرایندی بی‌وقفه و اجتناب‌ناپذیر است. مشکلاتی که مردم فقیر را در سرتاسر جهان فلج کرده، بازتاب مسئلهٔ تشدید نابرابری در پی تمرکز ثروت است و همراه با رشد اقتصادی تمرکز ثروت نیز روی می‌دهد. تمرکز روزافزون ثروت خطرناک است، زیرا تهدیدی برای پیشرفت بشر، انسجام اجتماعی، حقوق بشر و دموکراسی به شمار می‌رود. این سؤال را می‌توان مطرح کرد که ریشهٔ اصلی مشکلات کجاست؟ مشکل از دیدگاه و فرضیاتی که در مورد انسان داریم، سر برآورده است. بی‌تفاوتی به دیگر انسان‌ها عمیقاً در چارچوب مفهومی اقتصاد ریشه دوانده است، این به آن معناست که نظریهٔ اقتصاد نئوکلاسیک، مبتنی بر این اعتقاد است که انسان، موجودی سودجو است. بیشینه‌سازی منافع شخصی، منطق اقتصاد را شکل داده است. چنین فرضیاتی، نوعی رفتار نسبت به دیگر انسان‌ها را ترغیب می‌کند که واژگانی خشن‌تر از «بی‌تفاوتی»، حق مطلب را ادا خواهند کرد؛ واژگانی نظیر حرص و طمع، بهره‌کشی و خودخواهی. از نظر بسیاری از متفکران اقتصاد، خودخواهی حتی مسئله به حساب نمی‌آید. درواقع برترین فضیلت انسان سرمایه‌دار تلقی می‌شود. منتها در کنار انسان سرمایه‌داری، انسان واقعی ترکیبی از ویژگی‌های متعدد است. او از رابطه با دیگر انسان‌ها لذت می‌برد. انسان‌های واقعی گاهی خودخواه هستند، اما اغلب دلسوزند، اعتماد می‌کنند و فداکاری نشان می‌دهند. آنها تنها برای به‌دست آوردن پول کار نمی‌کنند، بلکه سعی دارند با کار خود، به دیگران هم نفع برسانند، جامعه را ارتقا دهند، از محیط‌زیست حفاظت و شادی و زیبایی و عشق به جهان تقدیم کنند. مشکل اصلی سرمایه‌داری این است که تنها یک هدف را دنبال می‌کند؛ تعقیب خودخواهانهٔ سود و منفعت شخصی. در نتیجه تنها کسب و کارهایی که حول این هدف طراحی می‌شوند به رسمیت شناخته و پشتیبانی می‌شوند، اما میلیون‌ها انسان در سرتاسر جهان مشتاق‌اند اهداف دیگری از جمله رفع فقر، بیکاری و تخریب محیط‌زیست را دنبال کنند. اگر اقدام به طراحی کسب و کارهایی کنیم که چنین اهدافی را در سر می‌پرورانند، می‌توانیم هر سه معضل را به طرز چشمگیری کاهش دهیم. کسب و کار اجتماعی در این میان نقش مهمی ایفا می‌کند.

پروفسور محمد یونس، اقتصاددان بنگلادشی، طلایه‌دار اعتبار خرد و برندهٔ جایزهٔ نوبل صلح در سال ۲۰۰۶ است که در سال ۱۹۸۳ «بانک گرامین»<sup>۱</sup> را به‌عنوان بانکی مستقل در بنگلادش تأسیس کرد و

---

۱- بانک براساس این باور بنا شده است که مردم ظرفیت بی‌نهایت دارند و شکوفا ساختن خلاقیت و ابتکار آنها به ختم فقر کمک می‌کند. گرامین به طبقاتی از مردم که پیش‌تر محروم بوده‌اند اعم از فقرا، زنان، بی‌سوادان و افراد بیکار اعتبار اعطا می‌کند. دسترسی به اعتبار مبتنی بر شرایط قابل قبول است، نظیر سیستم قرض‌دهی گروهی و پرداخت اقساط هفتگی با وام‌های درازمدت که به افراد فقیر امکان می‌دهد مهارت‌های خود را تقویت کنند تا بتوانند با تکیه بر مهارت‌های خود درآمد بهتری در هر چرخهٔ وام‌دهی کسب کنند. هدف گرامین، ارتقای استقلال فقرا بوده است. یونس تمام وام‌گیرندگان را ترغیب می‌کند به پس‌اندازگر تبدیل شوند، به‌طوری که سرمایهٔ وام خود را بتوانند به وام‌های جدید به دیگران تبدیل کنند.

بعد جدیدی از سرمایه‌داری ایجاد نمود و به‌درستی آن را «کسب‌وکار اجتماعی»<sup>۱</sup> نام نهاد. محمد یونس در کتاب «بانکدار فقرا»<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، به اهمیت اعتبار خرد برای راه‌اندازی کسب‌وکار روستایی و نجات فقرا از چنگال فقر می‌پردازد. سپس در کتاب دیگری نیز با عنوان «خلق کسب‌وکار اجتماعی»<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) به اهمیت کسب‌وکار اجتماعی می‌پردازد. مدل کسب‌وکار اجتماعی با استقبال شرکت‌های تجاری، کارآفرینان و فعالان اجتماعی در سرتاسر جهان مواجه شد. هدف نهایی آن خلق بنگاه‌های تجاری پویا و پایداری است که با تولید کالا و خدماتی که یکی از نیازهای انسانی را برطرف می‌کند، به رشد اقتصادی نیز کمک کند. یونس در کتاب خلق کسب‌وکار اجتماعی نشان می‌دهد چطور می‌توان کسب‌وکار اجتماعی را عملی ساخت و چرا این نوع کسب‌وکار قادر است شکست تجارت بازار آزاد را جبران کند. باید توجه داشت که کسب‌وکار اجتماعی متفاوت از خیریه‌ها است و یونس در این زمینه بیان می‌کند «برخلاف دلارهای خیریه‌ها، دلار کسب‌وکار اجتماعی که مجدداً سرمایه‌گذاری می‌شود هرگز به پایان نمی‌رسد. در عوض، بارها کارایی داشته و کمک می‌کند یکی پس از دیگری از بیکاری نجات یافته و به‌روزی که بیکاری به صفر می‌رسد، نزدیک‌تر شویم».

محمد یونس خود را رهبری اثبات کرده که توانسته است نه‌تنها برای مردم بنگلادش، بلکه در بی‌شمار کشور دیگر، رؤیای او را عملی سازد. وام به مردم فقیر که امنیت مالی ندارند محال به نظر می‌رسید. از سه دهه قبل، یونس توانست به واسطه بانک گرامین، اعتبار خرد را به ابزاری مهم‌تر در نبرد با فقر توسعه دهد. بانک گرامین منبع ایده‌ها و مدل‌ها برای بسیاری از مؤسسات حوزه اعتبار خرد در اقصی نقاط جهان شده است.

کتاب «جهانی با سه صفر»<sup>۴</sup>، ۱۱ فصل را در برمی‌گیرد. در بخش اول کتاب به شکست نظام سرمایه‌داری و خلق تمدن جدید مبتنی بر بازطراحی موتور اقتصادی جدید و خلق کسب‌وکار اجتماعی و در بخش دوم به موضوع به صفر رسیدن فقر و به صفر رساندن بیکاری و به صفر رسیدن کرین خالص (اقتصاد پایدار) پرداخته شده است. بخش سوم کتاب به قدرت‌های بزرگی که جهان را متحول می‌سازند شامل جوانان، فناوری و حکمرانی خوب پرداخته و در نهایت در بخش چهارم بر سنگ بنای آینده و بازطراحی جهان آینده تأکید شده است.

محمد یونس در کتاب «جهانی با سه صفر» تأکید می‌کند موتور اقتصاد بازطراحی‌شده، سه عنصر اصلی دارد. نخست باید مفهوم کسب‌وکار اجتماعی را سرلوحه کار خود قرار دهیم؛ شکل جدیدی از بنگاه‌های تجاری مبتنی بر فضیلت انسانی دگرخواهی. کسب‌وکار اجتماعی «شرکتی بدون سود در

---

1- Social Business

2- Banker to The poor

3- Building Social Business

4- A World of Three Zeros

راستای وقف حل مشکلات انسانی» یا به عبارت دیگر **کسب‌وکار اجتماعی** عبارت است از «به‌کار بستن خلاقیت برای حل مسائل انسانی به شیوه‌ای پایدار» که این مشکلات انسانی شامل مواردی از قبیل فقر، بیکاری، خدمات بهداشتی و درمانی، آب آشامیدنی سالم، مسکن و... است. کسب‌وکار اجتماعی، تنها ابزاری ضروری برای حل‌وفصل بحران‌های پیش روی انسان‌ها نیست. همچنین نمایش حیرت‌انگیزی از خلاقیت انسان‌هاست. زمانی که کسب‌وکار اجتماعی خلق می‌شود، در واقع اجازه می‌دهیم جنبه دگرخواهی شخصیت یک فرد از طریق کسب‌وکار بروز کند. «کسب‌وکار اجتماعی، عنصری ضروری در گذار از تمدن طماع عصر حاضر به سوی تمدنی براساس ارزش‌های عمیق‌تر انسانی اعم از سهیم شدن و اهمیت دادن است. این گذاری است که باید با موفقیت پشت سر بگذاریم تا بتوانیم شیوه پایدار زندگی را به نسل‌های بعد از خود منتقل کنیم».

دوم، باید این باور قدیمی را که انسان‌ها ذاتاً جویای شغل هستند با این فرض جدید که انسان‌ها ذاتاً کارآفرین‌اند، جایگزین کنیم. سوم، باید کل نظام مالی را از نو طراحی کنیم تا برای افرادی که در پایین نردبان اقتصاد قرار گرفته‌اند، کارآمد باشد.

در راستای اهمیت روش اعتبار خرد، کمیته نوبل اعلام کرد «صلح پایدار را نمی‌توان به‌دست آورد مگر آنکه گروه‌های بزرگ جمعیت روش‌هایی بیابند که از فقر رها شوند. اعتبار خرد یکی از چنین روش‌هایی است». واقعیت این است که اگر نگاهی تحلیلی به وضع فقر و بیکاری در روستاهای ایران نیز داشته باشیم، این موارد بیان شده مستثنا نیست.

وجود دغدغه‌ها و موانع در ایجاد کسب‌وکار روستایی و نیاز به اقدام‌های منسجم و هماهنگ در راستای بهبود فضای کسب‌وکار روستایی در ایران، مرا به این واداشت که کتاب «جهانی با سه صفر» را ترجمه کنم. در سفری که تابستان ۱۳۹۸ به بنگلادش داشتم در «برنامه تابستانه کسب‌وکار اجتماعی (ISBSP)»<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹ که به‌صورت مشترک توسط مرکز یونس و دانشگاه دافوودی برگزار شد، شرکت کردم و فرصتی فراهم شد تا با پروفسور محمد یونس از نزدیک ملاقات کنم و به بحث و گفت‌وگو پیرامون چون و چرایی کسب‌وکار اجتماعی و اعتبارات خرد بپردازیم. با توجه به اهمیت کتاب جهانی با سه صفر در چالش‌های پیش روی نظام اقتصادی، ترجمه این کتاب را در دستور کار قرار دادم و اینک نسخه فارسی کتاب «جهانی با سه صفر» تدوین شده است. بر خود لازم می‌دانم از پروفسور محمد یونس که دریچه‌ای تازه از کسب‌وکار را به روی من گشود و مجوز ترجمه کتاب را در اختیار بنده قرار داد و همچنین از خانم لامیا مرشد، مدیر اجرایی مرکز یونس بابت هماهنگی و راهنمایی‌ها در ترجمه کتاب تشکر کنم.

در ایران، نهادهایی از جمله بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر به‌عنوان مسئولیت اجتماعی نوعی از کسب‌وکار اجتماعی را خلق کرده است که برای نخستین بار در سال ۱۳۹۴ در شهرستان قلعه‌گنج جنوب استان کرمان اقدام‌هایی در راستای آبادانی و پیشرفت از سوی بنیاد علوی (به نمایندگی از بنیاد مستضعفان) انجام و این‌گه به ۱۲ منطقه‌ی دیگر نیز تعمیم داده شده است. مترجم کتاب حاضر، از سال ۱۳۹۵ تاکنون در برخی از مناطق کم‌برخوردار کشور (از جمله شهرستان قلعه‌گنج در جنوب استان کرمان و شهرستان مانه و سملقان استان خراسان شمالی) به‌عنوان مشاور بنیاد علوی در اجرای طرح توان‌افزایی جوامع محلی فعالیت کرده است. تجربه‌ی میدانی به ما نشان داد که از مهم‌ترین موانع بر سر راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد و متوسط روستایی در یک مقیاس محلی می‌توان به عدم ایجاد تشکلهای محلی یا ساختار اجتماعی مبتنی بر اعتماد در بین روستاییان، عدم دسترسی آسان روستاییان به تسهیلات برای ایجاد اشتغال و همچنین فقدان آموزش‌های لازم برای پایدارسازی کسب‌وکارها براساس مزیت‌های مختلف در هر منطقه‌ی جغرافیایی و اقلیمی اشاره کرد.

توان‌افزایی جوامع محلی شهرستان قلعه‌گنج مبتنی بر مشارکت جامعه محلی و با محوریت آیه ۱۱ سوره رعد در قرآن کریم آغاز شد که می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» [خداوند سرنوشت هیچ قوم و «ملت‌ی» را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را که در خودشان است، تغییر دهند]. از رسالت‌های اجتماعی و فرهنگی توان‌افزایی جوامع محلی، جایگزینی "نظریه خیرافزایی" و "برکت بخشی" به‌جای "خیر محدود" و جایگزینی "تعاون بقا" به جای "تنازع بقا"، دگرخواهی در برابر خویشتن خواهی، جمع در برابر فرد و جایگزینی نفع جمعی در برابر نفع فردی و رفاقت به جای رقابت است.

از نگاه مالی و اقتصادی، تجربیات به‌دست آمده از اجرای طرح‌های توان‌افزای جوامع محلی نشان می‌دهد قوانین و نهادهای نظام بانکی برای اشتغال و رونق تولید در ایران، سازگاری لازم برای رفع فقر و محرومیت در مناطق مختلف مخصوصاً مناطق کم‌برخوردار کشور را ایجاد نکرده است. با توجه به مفهوم کسب‌وکار اجتماعی - سرمایه‌گذاری در راستای تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حل مشکلات انسانی بدون کسب سود - می‌توان ادعا کرد اقدام‌های بنیاد مستضعفان در شهرستان قلعه‌گنج و سایر شهرستان‌های هدف، نوعی از خلق کسب‌وکار اجتماعی محسوب می‌شود. در قالب این طرح، پروژه‌ای با عنوان توان‌افزایی جوامع محلی در روستاهای شهرستان قلعه‌گنج با هدف ایجاد بسترهای لازم برای ارتقای توانمندی‌های اجتماعی، توانمندی‌های مهارتی - آموزشی و توانمندی‌های مالی - اقتصادی اجرا شده است. نتایج نشان می‌دهد یکی از موانع جدی در راه‌اندازی کسب‌وکارهای روستایی، نداشتن وثیقه‌ها و تضامین بانکی از سوی کارآفرینان برای دریافت تسهیلات است. در راستای رفع این مشکل، صندوق‌های خرد اعتباری در هر روستا به‌عنوان یک مدل اعتماد - محور راه‌اندازی شد، چراکه یک ابزار



قدرتمند برای هدایت سرمایه به سوی کسب‌وکارهای اجتماعی مختلف، ایجاد صندوق‌های خرد اعتباری است که گروه‌های خرد آبادانی و پیشرفت در هر صندوق بین ۱۰ تا ۱۵ نفر شکل گرفته و افراد به سمت فرهنگ پس‌انداز کردن سوق داده شده‌اند. قابل ذکر است که هر سه ماه معادل پس‌انداز روستاییان در قبال مسئولیت اجتماعی بنیاد علوی نیز کمک‌های اهدایی به این صندوق‌ها واریز می‌کند. از محل اعتبارات این صندوق‌های اعتماد - محور وام‌های خرد برای بهبود و تثبیت کسب‌وکار خرد به اعضای صندوق اعطا می‌شود که با هدایت و نظارت تسهیل‌گران طرح توان‌افزایی جوامع محلی، این تسهیلات توانسته تا حدودی بهبود فضای کسب‌وکار و کاهش نرخ بیکاری در روستاها را محقق کند. براساس عملکرد مالی صندوق‌های اعتباری خرد شهرستان قلعه‌گنج در تعداد ۱۵۵ روستا تا پایان سال ۱۳۹۸، بیش از ۲۲ هزار نفر عضو صندوق‌های اعتباری خرد روستایی شده‌اند و مبلغ بیش از ۸ میلیارد تومان اعضای صندوق‌ها پس‌انداز و بیش از ۸ میلیارد تومان نیز بنیاد علوی کمک اهدایی به صندوق‌ها واریز کرده که با در نظر گرفتن اقساط پرداختی وام‌گیرندگان، مبلغی بیش از ۳۰ میلیارد تومان وام خرد به روستاییان اعطا شده که نرخ بازپرداخت تقریباً ۹۸ درصد بوده است.

در این مدل اعتماد - محور، از ابتدا وام‌های خرد بدون وثیقه و بدون رویه‌های حقوقی بانکی به افراد اعطا شد و سپس با توجه به موانع جدی پیش روی روستاییان در دریافت تسهیلات بانکی با مبالغ بالاتر، تسهیلات مکمل محدودی (متوسط) از محل اعتبارات صندوق‌های خرد با شرط دارا بودن توجیه اجتماعی، اقتصادی، محیط‌زیستی و اینکه در راستای رفع نیازهای اولویت‌دار روستا و روستاهای مجاور باشد، اعطا شد. صندوق‌های اعتباری خرد روستایی، برای کمک مالی به روستاییان خلق شده تا بتوانند به کارآفرین تبدیل شوند و سود کسب کنند، درواقع می‌توانند به‌جای جستجوی شغل، کارآفرینی کنند. بانک‌های معمول نمی‌توانند این نیاز را برطرف سازند، آنها علاقه ندارند خود را درگیر بیکارانی کنند که هیچ وثیقه و سابقه اعتباری ندارند. به همین دلیل است که صندوق‌های خرد اعتباری راه‌اندازی شد. در حال حاضر افراد جوان زیادی به مرکز مشاوره و رشد کسب‌وکار مراجعه می‌کنند که کسب‌وکارهای متعارف خود را در همکاری با صندوق‌های خرد اعتباری تنظیم کنند، از این‌رو صندوق‌های خرد اعتباری که به کارآفرینی کمک می‌کنند، می‌توانند ابزاری قدرتمند برای نجات افراد، خانواده‌ها و کل اجتماع از فقر باشند.

کسب‌وکار کوچک برعکس پروژه‌هایی که باب میل برنامه‌های سنتی توسعه اقتصادی‌اند مانند کارخانه فولاد؛ نیروگاه برق، کارخانه‌های برق‌آبی، پروژه‌های عظیمی نیستند. آنها کسب‌وکار کوچکی هستند که توسط مردم محلی که به نیازها و اولویت‌های مردم اجتماع خود واقف‌اند، طراحی می‌شوند. هر یک از این کسب‌وکارها با یک کارآفرین آغاز می‌شوند، سپس با توسعه بیشتر کسب‌وکار، چند نفر جدید استخدام می‌شوند، اما هر یک فرصتی برای جوانان است که برای نخستین بار، طعم کارآفرینی و استقلال را بچشند

بیشگفتار مترجم □ ق

و کالا یا خدمات مفیدی به جامعه خود ارائه دهند. کسب و کارهای خرد کارآفرینانه که هزار برابر می‌شوند می‌توانند به احیای اقتصاد روستاهای متعدد کمک کنند و آینده جوانان را روشن سازند. در قالب این طرح، مرکز مشاوره و رشد کسب و کار نیز راه‌اندازی شد. از وظایف این مرکز می‌توان به ارائه خدمات مشاوره‌ای رایگان به روستاییان برای دریافت تسهیلات در بخش ارزیابی مالی طرح و طرح‌نویسی و کارآفرینی و بازاریابی و فروش محصولات اشاره کرد. از طریق اعتبار خرد در صندوق‌های روستایی، تأمین نهادهای تولید در بخش‌های کشاورزی، خدمات، صنعت و صنایع دستی انجام شده است که با توجه به موانع جدی پیش روی اشتغال در این شهرستان، در صورت عدم تأمین منابع مالی خرد، احتمال مهاجرت گسترده جوانان از روستاها، تشدید بیکاری و فقر و سایر آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یافت، همچنین در رسته‌های شغلی مختلف آموزش و مهارت نیز به صورت رایگان با حمایت بنیاد علوی انجام گرفته است که برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارتی در راستای ارتقا ظرفیت‌سازی، توان‌افزایی و تاب‌آوری روستاییان در مواجهه با بحران‌های طبیعی از جمله کم‌آبی و خشکسالی نیز ادامه دارد.

از نتایج کاربردی اجرای طرح توان‌افزایی جوامع محلی می‌توان به مواردی از قبیل تقویت مسئولیت‌پذیری و ریسک‌پذیری روستاییان، تقویت اعتماد، خودباوری، ترویج فرهنگ تلاش و کار، دگرخواهی در برابر خودخواهی، کاهش نرخ بیکاری و کاهش مهاجرت در برخی روستاها، ارتقای شأن و منزلت اجتماعی روستاییان، در برخی موارد نیز کاهش واسطه‌گران در زنجیره ارزش عرضه و تأمین محصولات کشاورزی و همچنین تحقق مدیریت بهینه آب از طریق توسعه کشت گلخانه‌ای در برخی روستاهای هدف اشاره کرد.

البته پایدارسازی صندوق‌های خرد اعتباری در روستاهای هدف نیازمند ایجاد ساختار مدیریتی در سطوح بالاتر است که در این راستا نیز اقدام‌هایی در مرحله اجرا و عملیاتی شدن است. شاید بتوان ادعا کرد با گسترش روش اعتبار خرد در ایران، روزی شاهد ایجاد «بانک روستا» باشیم تا رسیدن به بیکاری صفر و فقر صفر در روستاها با دستانتوانمند روستاییان محقق شود. در این بانک نیاز است مشابه قوانین صندوق‌های خرد اعتباری عمل شود، یعنی مبتنی بر اعتماد بین افراد. این موضوع یکی از مهم‌ترین اقدام‌ها در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی و بهبود فضای کسب و کار است که می‌تواند در کنار سایر موارد از قبیل تقویت آموزش و مهارت، بیکاری را تا حد ممکن کاهش دهد و فقر را در روستاها به حداقل ممکن برساند و شعار «ما جویای کار نیستیم، کارآفرین هستیم» را عملیاتی کند.

مسلماً دست یافتن به این موضوع در ابتدا همکاری همه‌جانبه نهادهای حمایتی در حوزه‌های محرومیت‌زدایی، دولت، قانون‌گذاران و دستگاه قضایی کشور را می‌طلبد که بتوان تغییر رویکرد در نظام اقتصادی را با تأکید بر رفع فقر، رونق تولید و دستیابی به پیشرفت همه‌جانبه در ابعاد اقتصادی،

اجتماعی، انسانی، زیرساختی و طبیعی اجرایی کرد. در واقع نیاز است موتور اقتصادی جدیدی با هدف رفع مشکل اجتماعی از طریق کسب‌وکار اجتماعی بازطراحی شود تا آینده‌ای بهتر با حداقل آسیب اجتماعی رقم بخورد. هدف از بیان این جملات در شرایط کنونی وضع اقتصادی کشور، اجرای کامل سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و رهایی از اقتصاد نفتی و تأکید بر خلاقیت و کارآفرینی و قابلیت‌های انسانی، توان‌افزایی نیروهای جوان و تکیه بر رشد و توسعه فناوری‌های دانش‌بنیان و بهبود فضای کسب‌وکار است. در این مسیر همان‌گونه که محمد یونس در این کتاب تأکید کرده است باید به **قدرت‌های بزرگی که جهان را متحول می‌سازند شامل جوانان و توان‌افزایی نیروهای جوان، بهره‌گیری از فناوری یعنی رهاسازی قدرت علم برای آزادی‌بخشی تمامی انسان‌ها و تأکید بر اصول حکمرانی خوب توجه کرد.**

اگر بتوانیم بیکاری را به کارآفرینی تبدیل کنیم، میزان شکوفایی فعالیت انسان، استعداد و بهره‌وری فراتر از حد تصور خواهد شد، حتی مهم‌تر از آن، می‌توانیم هزاران انسان را از وابستگی به دولت و ناراحتی از بی‌فایده بودن نجات دهیم. حال می‌توانیم درک کنیم این موضوع دست‌یافتنی است! عدم تحقق آن صرفاً نشانی از عدم شناخت درست ما از قابلیت‌های انسان است. به گفته محمد یونس «همه کاری که باید انجام دهیم این است که نظام اقتصادی را تغییر دهیم که می‌توان از به چالش کشیدن ارتدوکسی که در حال حاضر آن را کنترل می‌کند، آغاز کرد».

شاید وقت آن رسیده است که برای آبادانی و پیشرفت کشورمان با تأکید بر اقتصاد مقاومتی، از ظرفیت کسب‌وکار اجتماعی برای حل مشکلات نابرابری، بیکاری و زوال طبیعت که همگی از نشانه‌های موتور خراب نظام اقتصادی است، بهره بگیریم. ما در قبال نسل آینده مسئولیم و یک نظام اقتصادی جدید با محوریت اقتصاد مقاومتی که کسب‌وکار اجتماعی می‌تواند در آن نقش مهمی ایفا کند، به ما در تحقق این هدف کمک می‌کند. کسب‌وکار اجتماعی، مسیر قدرتمندی است برای دیدن و لمس کردن مزایای ناشی از خلق این نوع کسب‌وکار شامل سیر شدن کودکان گرسنه، پناه یافتن خانواده‌های بی‌خانمان، درمان شدن بیماران. خلق کسب‌وکار اجتماعی حس رضایت درونی عمیق به شما خواهد داد که قابل قیاس با هیچ تلاش خلاق دیگر نخواهد بود. در این زمینه نیز محمد یونس تأکید می‌کند «باور کنید هیچ چیز در زندگی رضایت‌بخش‌تر از ارضای میل خلاق از طریق تجسم کسب‌وکاری اجتماعی و سپس بدل ساختن آن به واقعیت نیست».

در پایان بر خود فرض می‌دانم از بنیاد محترم علوی برای آنکه فرصت حضور در طرح آبادانی و پیشرفت مناطق کم‌برخوردار کشور را در اختیار این بنده قرار داد تا بتوانم سهمی هرچند ناچیز از دریای خدمت‌رسانی به مردمان عزیز این مناطق داشته باشم و همچنین برای حمایت مالی این بنیاد در انتشار کتاب «جهانی با سه صفر» صمیمانه سپاسگزاری کنم و نیز از همکاری و زحمات مسئولان و

پیشگفتار مترجم □ ل

کارکنان مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران که زمینه چاپ کتاب را فراهم کردند، قدردانی کنم. امید است کتاب حاضر بتواند در شناخت و درک جامع‌تر از جهانی با سه صفر موثر بوده و زمینه‌ساز به‌کارگیری کسب‌وکار اجتماعی در فرایند محرومیت‌زدایی، رفع فقر و بیکاری در کشور باشد. جمله آخر اینکه در جهانی که به نظر می‌رسد هر روز مشکلات بیشتری برای انسان‌ها در راه است، ما قادریم امید را به ارمغان بیاوریم و ثابت کنیم *خواستن توانستن* است و خود را وقف ممکن ساختن غیرممکن‌ها کنیم.

**دکتر مهدی قربانی**

دانشیار دانشگاه تهران